



سلام خدمت آقای شهبازی عزیز 
و دوستان همراه گنج حضور 

✦ وقتی او حضور دارد.
تعدادی از دلوهای در چاه آمده از برنامه ۹۲۴:

۱- وقتی او حضور دارد، من هم هستم.
چه وقت او حضور دارد؟ او در فضای باز شده است. پس او وقتی در این لحظه من حضور دارد، که من فضا را باز کنم.
وقتی فضا را می بندم، او نیست؛ من هم نیستم. پس این کیست که حضور دارد؟ این من ذهنی است و من خود را من ذهنی می انگارم.
وقتی او هست، من هم باشم. وقتی او نیست، من هم نباید باشم، یعنی وقتی آب هشیاری نمی آید و قطع هستی، جُم نخور، وگرنه به عنوان من ذهنی، داری در هر قدم خرابکاری می کنی.

فقط من ذهنی هست، من هم که نیستم، پس دیگر فایده ندارد فکر و عمل کردن.
بودنم را به این من ذهنی ندهم که هر کاری دلش خواست با این بودن و قدرت من انجام دهد.

۲- ذهن نمی تواند او را بفهمد، چون تکه های ذهن از او برمی خیزد.

پس اگر می خواهی او را بفهمی، بشناسی و با او باشی، باید از ذهن بیایی بیرون.

ذهن جای «او=زندگی=من» نیست. پس ذهن جای زندگی کردن نیست.

۳- اگر او بیاید، کسی نمی تواند من را عصبانی کند. پس اگر عصبانی شدم، او نیست؛ تکان نمی خورم.

جواب دهید هر لحظه: او با من هست یا نیست؟

۴- وقتی او نیست، در فضای پرهیز باشم. اختیارم را دست من ذهنی ندهم.

قدرت تقوا ندارم، فکرم را بسپارم به ذکر ابیات، نه دست من ذهنی.

۵- وقتی مرکزمان همانیدگی و جسم و درد هست، نمی توانیم خودمان را نگه داریم.

وقتی شعر را می بخوانیم، یک هشیاری در ما به وجود می آید که می توانیم خودمان را نگه داریم، حالمان هم خوب می شود.

۶- اگر دانایی داشته باشیم، هیچ موقع آن گروه فضاهای باز شده را ترک نمی کنیم.

جایی که حالت خوب می شود «بیست این جا»

۷- اگر او نباشد و فکر کنم، دچار گناه و همانیدگی می شوم.

بارها دیده ام جایی که او هست، عجیب ترین چیزها، منفی ترین اتفاقات و دردها مرا تکان نداده و از ریشه نمی کند.

وقتی او نیست جُم نخور، وگرنه دچار گرفتگی خدا می شوی، تیره و کافر می شوی.

۸- هیچ دمی سر ما نباید خالی از آن می بشود.

بیت های حفظ شده باید جای فکر پشت فکر را بگیرند تا وقتی که دیگر هیچ نماند، و تنها سکوت و خاموشی بماند.

۹- بدون حضور او نباید فکر کنیم، او بیاید به صنع می‌رسیم.

حتی یک لحظه نباشد که او نباشد، دوری خرابی است.

۱۰- موقع عبادت باید فضاگشایی کنی و می‌بیاوری.

اگر عاشقی، باید «فی الصلاة دائمون» باشی، یعنی در هر لحظه هر کاری انجام می‌دهی عبادت خدا باشد.

پس در هر کاری فضاگشایی کنی تا او حضور داشته باشد و تو با «او» فکر و عمل کنی، و می‌و صنع بیاوری به آن کار.

۱۱- بلند شدن به عنوان «من» فایده ندارد، ای زبون! باید روی او را ببینی. روی او فقط در فضای باز شده است، پس باید سجده کنی.

با فکر نمی‌توانی و جب‌به‌وجب فضای یکتایی را توصیف کنی و بفهمی و بیان کنی: یعنی «طی کنی»، ولی خم نشوی و سجده نکنی، رها نمی‌شوی.

شکر این است روی او را که دیدی، دیگر دور این همانیدگی‌ها نگردی.

۱۲- تو باید قابل پیش‌بینی باشی، یعنی همیشه همه بدانند که تو شادی، آرامی.

اگر قابل پیش‌بینی نباشی، خطرناکی.

۱۳- می‌ندارم، از کجا بیاورم؟ تو بلدی، نگو از کجا بیاورم.

این خاصیت تشخیص هست، زود بیاور از آن استفاده کن، نگو بلد نیستم!

یک مدتی گوش کن، صبر کن، متعهد شو. روی خودت کار کن. بگذار فضای درون باز شود. سؤال نکن، نگو بلد نیستم. همه ما بلدیم.

جبه ذهن را پدر تا زود از فضای یکتایی طلوع کنی.

۱۴- «نیستی بر، گر تو ابله نیستی» مرتب فضا را باز کن، «نیستی» ببر. «فضای باز شده=نیستی» هیچ چیز در آن نیست.

فضای باز شده خودت راه، نیستی و حس وجود نداشتن‌ات را ببر. مهم نیست چقدر همانیدگی داشته باشی.

۱۵- فقیر و قانع باش، از درد هم شکایت نکن.

۱۶- خودت باید تأمل کنی تا این فکرها به جنبش دربیاید. «تأمل» فکر را به جنبش و عمل درمی‌آورد.

فکرها وقتی در مرداب ذهن می‌مانند، تبدیل به درد و همانیدگی می‌شوند.

۱۷- بهترین یادگاری «نیستی» است که بگذاری در قلب مردم.

نیستی و فضای باز شده هست که می‌ماند و دور انداخته نمی‌شود از توی هیچ قلبی، بقیه آفلین هستند.

پس در حضور هر کسی هستی و هر کاری می‌کنی، «نیستی بر: فضای باز شده ببر»

۱۸- دیدی جذب شدی، شمع ذهن را خاموش کن.

یعنی دیگر سؤال نکن: چطور و چقدر و چگونه و چرا این‌جا در این آرامش هستیم؟ «چکار کنیم؟» نداریم.

۱۹- به آدمی که با ذهن عمل می‌کند، می‌گویید این اصلش زندگی است. شما کمک می‌کنید طلوع کند. با زدن و ملامت طلوع نمی‌کند. اول برای خودت مرضیه! ببین که با ملامت و محرومیت و کتک، نشد که آفتاب طلوع کند، برای بقیه هم همین‌طور.

۲۰- به‌جای ناله و شکایت و ملامتِ من‌های ذهنی، در درون و بیرون، برایشان دعای مستجاب شده «یا لیت قومی یعلمون، یعنی ای کاش قوم من می‌دانستند.» را بکن.

۲۱- باید طوری فضای باز شده در اطراف دیگران باشم که حتی پس از مرگم، خاکم مردم را به شکر بیاورد و اصلشان را نشانشان بدهد.

۲۲- آن دریافتی که می‌رسد را بخور، ذخیره نکن؛ یعنی عمل کن تا دوباره بیاید.

زندگی مهربان می‌گوید: «به آنچه می‌دانید، عمل کنید تا باز هم خردم را بدهم.»

شاد و سلامت باشید ❤️ .
مرضیه از نجف‌آباد